

چالش‌های توسعه شهری

در کشورهای جنوب

مارتین ژاگو
نویسنده پیام یونسکو

کشورهای روبه توسعه در سال ۲۰۱۵ دارای سی کلان‌شهر با جمعیتی بیش از هشت میلیون خواهند بود. آنها چگونه با این رشد فزاینده روبه‌رو خواهند شد؟

می‌دهد شهرها می‌توانند حتی زمانی که بخش‌های اشتغال زایش دچار بحران یا روبه نابودی است، همچنان به جذب مهاجر ادامه دهند. حالا دیگر علت کوچ مردم به شهرها پیدا کردن شغلی احتمالی نیست، بلکه این است که می‌خواهند از رقابت فزاینده برای کشاورزی در روستا و فقری که با آن عجین شده بگریزند. در چنین شرایطی است که شهر، درست یا غلط، جای پیشرفت و آزادی، سرزمین فرصت‌های گوناگون و طعمه‌ای اغواکننده به نظر می‌آید.

در نتیجه مسکن‌های غیرمجاز و محقر همچون قارچ در داخل و حومه شهرها پدیدار می‌شوند. ریچارد اشترن، مهندس شهرسازی و رئیس «مرکز اجتماعات شهری» دانشگاه تورنتو (کانادا)، ویژگی روند رشد شهرها را در کشورهای جنوب «سرعت گسترش شهر، رشد فقر، شدت بی‌نظمی و پراکندگی و بالاخره توسعه اقتصاد غیرقانونی» توصیف می‌کند.

واکش مثولان کلان‌شهرهای جنوب در قبال این «تهاجمات» چگونه خواهد بود؟ به گفته غالب ناظران، در چارچوب روند جهانی

به گفته کارشناسان جمعیت سازمان ملل، تقریباً دو سوم جمعیت جهان در سال ۲۰۲۵ شهرنشین خواهند بود که این حد نصابی جدید در تاریخ بشر است. تاکنون شمار روستاییان جهان بیش از شهرنشینان بوده است.

به‌موجب همین پیش‌بینی‌ها، جمعیت جهان تا بیست و پنج سال آینده به هشت میلیارد خواهد رسید که پنج میلیارد آن شهرنشین خواهند بود. این افزایش خصوصاً در شهرهای جهان سوم چشمگیر خواهد بود و جمعیت‌شان به چهار میلیارد خواهد رسید.

هرچند پیش‌بینی‌های جمعیت‌شناسان قطعیت ندارد (نگاه کنید به مطلب کادر صفحه مقابل)، اما هجوم سیل‌آسای مردم به کلان‌شهرها در کشورهای روبه توسعه، پدیده‌ای کاملاً چشمگیر است.

به گفته محققان، شهر در گذشته به نیروی کار احتیاج داشت. ولی امروز، جذابیت شهر دیگر از ظرفیت‌های اقتصادی آن سرچشمه نمی‌گیرد. فیلیپ اریزوه، رئیس تحقیقات «مؤسسه علمی فرانسه برای توسعه در همکاری» (ORSTOM) می‌گوید: «شواهد متعدد نشان

تعداد «قلعه‌شهر»ها در همه شهرهای بزرگ جهان روبه فزونی است. این یکی از مناطق حفاظت‌شده در کروزیرو، از شهرک‌های اقماری برازیلیاست.



و نگاهبانان خصوصی حفاظت می‌شوند. ترزا کالدیرا، محقق برزیلی این محله‌ها را «قلعه شهرک» نامیده است. در این جهان‌های محصور که تا حدودی برای مقابله با ناامنی راستین یا مبالغه‌شده شهرها شکل می‌گیرند، خیابان‌ها، فاضلاب‌ها، مدرسه‌ها و سایر تأسیسات گروهی خصوصی‌اند. در فضای عمومی شهر و خارج از این محدوده‌ها تأسیسات روبه ویرانی یا ناکافی است که به گروه‌های کم‌شانس‌تر اجتماع اختصاص دارد.

طبقه‌های متوسط و زیرمتوسط نیز در محله‌های خویش حالت دفاعی گرفته‌اند. نمونه‌هایی شگفت‌انگیز از این قبیل محله‌ها را می‌توان در شهرک‌های اقماری برازیلیا دید. در این شهرک‌ها غالب خانه‌ها از ویلاهای زیبا تا خانه‌های نسبتاً محقر به حفاظ‌های بلند فلزی مجهزند. آیا کلان‌شهرهای قرن بیست و یکم عبارت خواهند بود از مجمع‌الجزایرهایی از «قبیله‌های اجتماعی»؛ یعنی «ضدشهرهایی» متشکل از بخش‌هایی محصور که ساکنان مرفه آنها حاضر به پرداخت مالیات برای تأمین تسهیلات خاص ساکنان بی‌نوی شهر نخواهند بود؟

آنتونی پلگرینی، کارشناس توسعه شهری در بانک جهانی می‌گوید: "وجود حلی آباد نشانگر شکست مسئولان شهر است." بانک جهانی حامی طرح‌هایی است که در آنها دولت و بخش خصوصی، محرمان شهری را برای خرید زمین در مناطق مجهز به تأسیسات زیربنایی یاری می‌کنند. برخی کارشناسان دیگر معتقدند که جوانب «ضداجتماعی» جهانی‌سازی باید موردنکوهش قرار گیرد. آنان این آرزو را در سر می‌پرورانند که شهرهای قرن بیست و یکم رسالت دیرینه خود را بازیابند، یعنی مکانی باشند برای ملاقات و مبادله.

آزادسازی اقتصادی، مسئولان کلان‌شهرهای کشورهای جنوب که از تأمین منابع لازم برای ارائه خدمات اساسی شهری به ساکنان شهرها عاجزند تدریجاً به نفی و انکار مأموریت اصلی خود که همانا تأمین خدمات اساسی شهری است، پرداخته‌اند.

چین هنوز از جهان بسیار یک استثنا به شمار می‌رود. اداره‌کنندگان شهرهای چین در چارچوب برنامه‌ریزی‌های دقیق (که البته در سال‌های اخیر انعطاف‌پذیرتر شده است) می‌کوشند هجوم مهاجران روستایی را به شهرها در مقیاسی قابل جذب برای شهرها مهار کنند که وضعیت شانگهای نمونه‌ای از این‌گونه برنامه‌ریزی محسوب می‌گردد. ولی آیا این سیاست که فعلاً به‌طور نسبی موفقیت‌آمیز بوده، در تحولات سیاسی و اقتصادی کنونی چین جان سالم به‌در خواهد برد؟

در نقطه مقابل، شهری چون لاگوس (نیجریه) شاهد توسعه‌ای آمیخته با هرج و مرج است. در این کلان‌شهر افریقایی حدود دوست حلی‌آباد وجود دارد. گاه بولدوزرهای شهرداری بدون اخطار قبلی به ساکنان، یکی از آنها را از چهره زمین محو می‌کنند. اما لاگوس با زرتنگی میلیون‌ها مردمی که در آن به سر می‌برند، همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. یک مثال گویای دیگر شهر جا کارتاست که مسئولان آن خود در سوداگری مستغلاتی لگام‌گسیخته‌ای شرکت دارند. آنان بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۸ بیش از چهار و نیم میلیون نفر از ساکنان شهر را بدون پرداخت غرامت مالی قابل توجهی از خانه‌هایشان راندند تا این زمین‌ها را به ساختن عمارت‌های بلندی اختصاص دهند که بعضاً خالی از سکنه مانده‌اند.

واکنش ساکنان شهرها به هجوم گسترده مهاجران چیست؟ در شهرها محله‌های شیکی به سرعت شکل می‌گیرند که با حصارهای فلزی

تقریباً هیچ مکان بکری روی کره زمین باقی نمانده ... زمین خود به یک شهر بزرگ تبدیل شده است.

یاکوف اوکونف نویسنده روس

اشتباه جمعیت‌شناسان در مورد مکزیکو

پیش‌بینی‌های جمعیت‌شناسان آنگاه که به عرصه‌های میان مدت و خصوصاً بلندمدت وارد می‌شود، گاه اشتباه از آب در می‌آید. مثال مکزیکو یکی از فاحش‌ترین این اشتباهات است. جمعیت‌شناسان در دهه هشتاد هشدار داده بودند که جمعیت این شهر تا سال ۲۰۰۰ به حدود ۲۲ الی ۳۰ میلیون نفر می‌رسد و این شهر با پیشی گرفتن از توکیو، به پرجمعیت‌ترین کلان‌شهر جهان تبدیل می‌شود. اما مکزیکو امروز «فقط» ۱۷ میلیون جمعیت دارد. براساس آخرین تحقیقات کالج مکزیکو و شورای ملی جمعیت (نهاد دولتی)، نرخ متوسط رشد سالانه جمعیت مکزیکو از ۵/۰۶ درصد در دهه هفتاد به ۲/۵۹ درصد در دهه هشتاد و کمتر از ۲ درصد در ۱۹۹۰ رسید. چه اتفاق افتاد؟

جمعیت‌شناسان از سویی جمعیت مکزیکو را در سرشماری سال ۱۹۸۰ زیاده‌تر از واقعیت برآورد کرده بودند و از دیگر سو کاهش میزان باروری را دست‌کم گرفته بودند که از ۴۵ زن از ۱۰۰۰ زن در سال ۱۹۶۵ به ۲۸ زن از ۱۰۰۰ زن در سال ۱۹۹۲ رسید. عواملی نظیر: زلزله سال ۱۹۸۵ که بیش از ۳۰ هزار کشته داشت و تشدید آلودگی هوای مکزیکو، مهاجرت به‌سوی پایتخت مکزیک را کاهش داد. به‌علاوه، مسئولان دولتی با اعطای یارانه به هزاران شرکت، از آنها خواستند به شهرهای دیگر بروند. بازار کار این شرکت‌ها نیز به خارج از مکزیکو منتقل شد.

نتیجه آنکه روند حرکت جمعیت معکوس شد. در دهه هشتاد به‌طور متوسط روزانه ۱۵۰۰ نفر بر جمعیت مکزیکو اضافه می‌شد. اما از سال ۱۹۹۲ جمعیت شهر رو به کاهش نهاد. در این سال، ۶۶۱۰۰۰ نفر پایتخت را ترک کردند و کمتر از ۱۷۱۰۰۰ نفر به آن وارد شدند.

طبق پیش‌بینی‌های جدید، جمعیت مکزیکو که بر ویرانه‌های شهر تنوکتیتلان در عهد آرتک‌ها — این شهر هنگام هجوم اسپانیایی‌ها در قرن شانزدهم با ۶۰ هزار نفر جمعیت، پرجمعیت‌ترین شهر جهان بود — بنا شده، تا سال ۲۰۱۵ در سطح کمتر از بیست میلیون باقی خواهد ماند. به این ترتیب، مکزیکو در آن زمان هفتمین کلان‌شهر جهان خواهد بود نه نخستین کلان‌شهر. مسئولان شهر مکزیکو در این سال‌ها پس از تجربه بحران توسعه سرسام‌آور و لگام گسیخته، نفسی به آسودگی می‌کشند. جمعیت این شهر از سال ۱۹۴۰ (که ۱/۷ میلیون جمعیت داشت) تاکنون ده برابر شده، در صورتی که مساحت آن پنج برابر (از ۵۰۰ کیلومتر مربع در سال ۱۹۴۰ به ۴۵۰۰ کیلومتر مربع در حال حاضر) افزایش یافته است.